

جای خالی زبان اشاره  
در قانون حمایت از افراد دارای معلولیت

# فریاد برای یک زبان خاموش

**لیلا مهداد** اعتراض دارند؛ به کم کاری ها،

پشت گوش انداختن ها، ندیدن و نشنیدن ها. این بار تصمیم گرفته اند کوتاه نیایند. اعتراض شان را این بار روی کاغذ آورده اند. نامه ای که ۲۵ هزار امضا پای آن جا خوش کرده. اعتراض شان به رسمیت شناخته نشدن زبان اشاره است. اتفاقی که باعث شده برای مترجمان بودجه ای در نظر گرفته نشود. بار اول نیست که معترض اند. یکی دوسال پیش بود که خواسته شان را در همان دنیایی که سکوت احاطه اش کرده، فریاد زدند. خواسته ای که رسانه ملی را نشانه رفته بود. اعتراض شان به زبان اشاره فارسی مترجمان رسانه ملی بود. آنها از نامفهوم بودن ترجمه ها می گفتند و صداوسیما از نبود بودجه و دردرسازبودن زیرنویس. هشت هزار امضا، کمپین «دسترسی کامل به رسانه ملی حق ناشنوا» را تأیید کرد. کمپینی که تلاش داشت اعتراض جمعیت نیم میلیونی به گوش مسئولان رسانه ملی برسد.

دولت ایران کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت در سازمان ملل را امضا کرده است. کنوانسیونی که انتظار می رود طبق قوانین اجرایی شود. در ماده های اشخاص حقوق دارای معلولیت تصریح شده که زبان اشاره باید به رسمیت شناخته شود. طبق همین قانون باید مترجم حرفه ای در سازمان ها برای ناشنواها حضور داشته باشد. این در حالی است که هنوز در ایران، برنامه دوره آموزشی مترجم حرفه ای وجود ندارد.

**جای خالی زبان اشاره در یک قانون**

قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت از معیشت و رفاه این گروه از جامعه می گوید. قانونی که گوشه چشمی به مناسب سازی، خدمات بهداشتی و امور ورزشی داشته است. هرچند کارآفرینی، اشتغال و مسکن را هم فراموش نکرده است. اما در این میان جای خالی زبان اشاره در این قانون به چشم می خورد.

قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت تصویب شدنش به اسفند سال ۹۶ برمی گردد. قانونی که اردیبهشت ۹۷ از سوی رئیس جمهوری وقت به دستگاه ها ابلاغ شد. این قانون قبل از تصویب شدن هشت سالی را در کمیته پیگیری گذراند. واقعیت امر این است تا زمانی که زبان اشاره در قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت تعریف نشود، برای مترجم زبان اشاره بودجه ای در نظر گرفته نمی شود.

بخش تلخ ماجرا این است که ۴۳ سال از ممنوع شدن زبان اشاره در مدارس استثنایی می گذرد. این در حالی است که زبان اشاره در ۸ کشور دنیا شناخته شده است.

**زبان اشاره زیر سایه زبان فارسی**

اولین برنامه مختص ناشنویان به دهه ۶۰ برمی گردد؛ برنامه ای خبری که جمعه ها روی آنتن می رفت. به اعتقاد سارا سیاوشی، زبان اشاره ایرانی قدمتی طولانی دارد. «زبان اشاره ایرانی در طول تاریخ تغییراتی به خود دیده به مانند زبان فارسی.» به باور این زبان شناس، زبان اشاره به مرور در جامعه شکل گرفته، اگرچه اشاراتی به آن اضافه و از آن کم شده

است. «قدمت کار پژوهشی زبان شناسی روی زبان اشاره ایرانی حدود ۱۵-۱۴ سال است.» پژوهشی که نشان می دهد هیچ ارتباطی میان زبان فارسی و زبان اشاره ایرانی وجود ندارد. «این زبان ارتباطی به فارسی ندارد. دستور زبانش کاملاً فرق دارد.»

● ● ●  
**قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت از معیشت و رفاه این گروه از جامعه می گوید. قانونی که گوشه چشمی به مناسب سازی، خدمات بهداشتی و امور ورزشی داشته است. هرچند کارآفرینی، اشتغال و مسکن را هم فراموش نکرده است. اما در این میان جای خالی زبان اشاره در این قانون به چشم می خورد**

هر کشوری، زبان اشاره مختص به خود را دارد، هرچند اطلاعی از تفاوت ها و شباهت های این زبان ها در دست نیست. به باور سیاوشی پژوهش زبان شناسان ایرانی یک ایراد به خود می بیند؛ عدم تحقیق روی زبان اشاره کشورهای منطقه. «متأسفانه استقلال زبان اشاره ایرانی از زبان فارسی برای مسئولان مشخص نیست.»

زبان اشاره ایرانی از سال های دور تحت تأثیر زبان فارسی بوده است. زبان اشاره ای که زیر

سایه زبان فارسی روزگار گذرانده و تقویت نشده، به این بهانه که زبان فارسی، زبان رسمی است. تفکری که گمان می کرد زبان اشاره فارسی به ناشنویان کمک می کند زبان فارسی شان را تقویت کنند.

سیاوشی ارتباط نگرفتن با سازمان ها را یکی از دلایل وجود ایرادات موجود می داند. سازمان هایی که به گفته او از کارشناسان غیرمرتبط بهره می برند. کارشناسانی که دانش زبان شناسی ندارند و از این رو به اهمیت آن پی نمی برند. «سه سازمان بهزیستی، آموزش و پرورش و صداوسیما بیشترین ارتباط را با ناشنواها دارند. سازمان هایی که کارشناسان زبان شناسی که روی زبان اشاره تحقیق کرده باشند، به خود نمی بینند.»

**برنامه سازی ناشنویان برای پرشدن خلأ صداوسیما**

آموزش و پرورش استثنایی بخش مدارس ناشنوا را دارد؛ بخشی که هیچ کدام از کارشناسانش اطلاعات زبان شناسی ندارند. بخش امور ناشنویان بهزیستی هم هست با کارشناسانی که حتی زبان اشاره بلد نیستند و نمی توانند با ناشنویان ارتباط بگیرند.

این مشاور پژوهشی شبکه ملی سازمان های مردم نهاد ناشنویان با اشاره به این موارد از آموزش و پرورش می گوید که تا امروز زبان فارسی را به کار می برده، هرچند با دعوت از زبان شناسان نشان می دهد پی به ایرادات موجود برده است. «در حد حرف بوده، اما همین که متوجه ایرادات هستند، خوب است.»

سیاوشی از رایزنی ها با صداوسیما خبر می دهد. جلسه یک گروه مترجم با صداوسیما که در نهایت هم بی نتیجه مانده است. جلسات

**به امید اینکه در دولت سیزدهم این قانون روی کاغذ نماند**



**حمیدرضا محترم، کارشناس مناسب سازی در حوزه ناشنویان**

قانون حمایت از افراد دارای معلولیت که مشخص است. اجرایی شدن این قانون شاید نیاز به تشکیل کمیته معلولان در مجلس داشته باشد، البته نمی دانم چنین کمیته ای در مجلس هست یا خیر. انتظار می رود کمیته ای در مجلس با حضور نمایندگان از گروه های مختلف تشکیل شود. به عنوان مثال ناشنواها یک نماینده داشته باشند. معلولان نماینده مختص خودشان را داشته باشند. نابیناها همین طور و ... این کمیته می تواند طرح های مناسب این بخش از جامعه را برای بررسی به کمیسیون معلولان مجلس ارایه بدهد. به نظر می رسد مجلس هم برای این مسائل مناسب سازی نشده است. قانون کاغذی دوی درد معلولان نیست.

اولین قدم مجلس می تواند تشکیل تیم یا کمیته باشد تا بتوانیم طرح هایمان را ارایه بدهیم. اولین ایراد را شاید همین مناسب سازی نشدن مجلس برای تشکیل کمیته در این خصوص بتوان عنوان کرد. تیمی که بتواند از حقوق ما دفاع و آن را پیگیری کند. بحث اساسی دیگر این است که شرایط کاندیدا شدن را آسان کنیم تا از معلولان هم نماینده ای داشته باشیم.

تصویب زبان اشاره و به رسمیت شناختن آن به معنای تعیین بودجه است. اتفاقی که تا به امروز نیفتاده است. بر این باورم که به رسمیت شناخته شدن زبان اشاره به معنای حل مشکلات مدرسه خواهد بود. اگرچه مشکلات ارتباطی، فروش انحصاری کاهش پیدا می کند و آموزش به والدین بیشتر می شود. هرچند مشکلات صداوسیما و تمام ادارات هم حل می شود. قبل از این جامعه ناشنویان کمپینی برای زبان اشاره صداوسیما راه اندازی کرد، اما بی نتیجه. این برمی گردد به انحصاری بودن. این مسأله را از مسئولان انجمن خانواده ناشنویان ایران هم پیگیری کردیم. نامه های زیادی به ارگان های مهم نوشته شد. نامه هایی که یک جواب داشتند؛ بایگانی شدند. نامه هایی که نه شماره خورده بودند و نه به مسئولان برای رسیدگی ارجاع داده شده بودند. در سالی که گذشت ناشنویان نتوانستند از رسانه بهره ببرند. دلیلش چیست؛ برمی گردد به قانون. امیدواریم در دولت آیت الله ابراهیم رئیسی بهتر از قبل عمل شود.

بی نتیجه ای که سرآغاز کمپین های آنلاین شد برای اعتراض ناشنویان به صداوسیما. «این رویه صداوسیما باعث شده گروه بزرگی از مردم ارتباط شان با این سازمان قطع شود. گروهی که متوجه برنامه های صداوسیما نمی شوند. هرچند خود ناشنواها در فضای مجازی برنامه هایی را برای خود می سازند تا خلأ صداوسیما پُر شود.»

**نادیده گرفته شدن اهمیت زبان اشاره**

قانون حمایت از افراد دارای معلولیت سال هاست به تصویب رسیده. قانونی که بیشتر مسائل استخدامی و حمایت های مالی را مدنظر قرار داده است. به باور سیاوشی این قانون نکات مثبت بسیاری برای گروه های مختلف معلولان داشته. «البته به شرط اجرایی شدن و در حد قانون مبتنی باقی نماندن.»

و اما جامعه ناشنوا. قانونی که مهم ترین

● ● ●  
**به رسمیت شناختن اگر فقط در حد متن قانون بماند تغییری در وضعیت ناشنواها ایجاد نخواهد شد. «در حقیقت مشکل اصلی در کشور مانگاه پاتولوژیک درمانی به ناشنوایی است که ناشنوایی و به تبع آن، شیوه ارتباط برقرارکردن ناشنویان رایک نقص قلمداد می کند**

● ● ●  
**به رسمیت شناختن اگر فقط در حد متن قانون بماند تغییری در وضعیت ناشنواها ایجاد نخواهد شد. «در حقیقت مشکل اصلی در کشور مانگاه پاتولوژیک درمانی به ناشنوایی است که ناشنوایی و به تبع آن، شیوه ارتباط برقرارکردن ناشنویان رایک نقص قلمداد می کند**

مسائل و محدودیت های اجتماعی این بخش از جامعه در آن مغفول مانده. به گفته این زبان شناس مهم ترین مسائل ناشنویان حق دسترسی به اطلاعات و دریافت دانش و آموزش از طریق زبان اشاره است.

به باور او این حق هر روزه در دو حوزه بزرگ نادیده گرفته و در حقیقت پایمال می شود. ابتدا در آموزش از مهدکودک تا دانشگاه و دوم اطلاع رسانی در رسانه های رسمی. «این قانون یکی از وظایف صداوسیما را پخش برنامه ها با زیرنویس یا مترجم ناشنوا تعیین کرده. تنها جایی که به طور مستقیم در این قانون به ناشنویان ارجاع داده شده همین یک مورد است و این کافی نیست.»

به گفته مشاور پژوهشی شبکه ملی سازمان های مردم نهاد ناشنویان این مورد با واژه «رابط» به جای مترجم بیان شده، درواقع دیدگاه افرادی که این قانون را تنظیم کردند مشخص می شود. «در این دیدگاه اهمیت زبان اشاره نادیده گرفته می شود. کسانی که به استقلال و اهمیت زبان اشاره باور داشته باشند از واژه مترجم استفاده می کنند و نه رابط.»

**زمان تغییر دیدگاه سنتی فرارسیده**

زبان اشاره رسمیت ندارد و این یعنی مشکلاتی برای جامعه مخاطب این زبان. به رسمیت شناختن؛ به یک معنا اینکه «زبان اشاره ایرانی» از دید کارشناسان و استادان، یک زبان مستقل و کارآمد شناخته شود. معنای دیگر آن

ارزش قانونی و رسمی در متون حقوقی است. اگرچه در حال حاضر در کشورهای مختلف این دو معنا لزوماً با هم محقق نشده اند. «در بعضی کشورها گروه های مستندسازی واژگان و دستور زبان اشاره کشور سال هاست تشکیل شده. در مدارس مختلف زبان اشاره تدریس می شود. کودکان و نوجوانان ناشنوا به زبان اشاره کشورشان آموزش های رسمی را دریافت می کنند و مواد آموزشی زیادی به زبان اشاره تولید می شود.»

به گفته این زبان شناس هدف اصلی جوامع ناشنویان در همه دنیا رسیدن به همین وضعیت است. حالایک راه رسیدن به این وضعیت آن است که در مراجع قانون گذاری قانونی تصویب شود که زبان اشاره کشور را به عنوان یک زبان مستقل به رسمیت بشناسد. اما به رسمیت شناختن اگر فقط در حد متن قانون بماند تغییری در وضعیت ناشنواها ایجاد نخواهد شد. «در حقیقت مشکل اصلی در کشور ما نگاه پاتولوژیک-درمانی به ناشنوایی است که ناشنوایی و به تبع آن، شیوه ارتباط برقرارکردن ناشنویان را یک نقص قلمداد می کند.»

به باور او در این نگاه، گفتار و نوشتار ارزش والا دارند و زبان اشاره ارزش کمتر. در حالی که مطالعات زبان شناختی نشان داده زبان های اشاره، زبان هایی کامل اند. «از نظر ارزش ارتباطی و آموزشی تفاوتی با زبان های گفتاری ندارند. به نظرم مهم ترین کاری که باید انجام شود همین است که این دیدگاه زبان شناختی در موسسات دولتی و غیردولتی جایگزین دیدگاه سنتی «گفتار-محور» شود.»

**قدم مثبت؛ تصویب رشته مترجمی زبان اشاره ایرانی در وزارت علوم**

قبل از این کمپینی برای زبان اشاره صداوسیما به راه افتاد و حالا کمپینی برای جای خالی زبان اشاره در قانون حمایت از افراد دارای معلولیت به راه افتاده. کمپینی که امید است به سرانجام برسد. «به نظرم موفقیت یا شکست هر کمپینی در حوزه زبان اشاره به این برمی گردد که چقدر به ناشنواها اعتماد داشته باشیم.»

به باور این زبان شناس نیاز اصلی این است که زبان اشاره و اهمیت و استقلال آن به رسمیت شناخته شود تا آموزش و اطلاع رسانی برای ناشنویان تسهیل شود. «به این منظور پشتوانه های علمی نیاز داریم. جای دانشگاه ها و گروه های زبان شناسی دانشگاه ها در این حوزه بسیار خالی است. علت اینکه سازمان هایی مانند صداوسیما و بهزیستی در مورد حق دسترسی ناشنویان ضعیف عمل می کنند، کمبود متخصص زبان اشاره و مترجم حرفه ای زبان اشاره است. «اگر افراد ناشنوای متخصص به کار گرفته شوند و آموزش زبان اشاره از طریق خود این افراد انجام شود، شاید مسیر به نتیجه رسیدن کمپین ها بهتر شود. یکی از قدم های مثبتی که تاکنون برداشته شده، تصویب رشته مترجمی زبان اشاره ایرانی در وزارت علوم است. این رشته از سال گذشته در دانشگاه آزاد واحد بین الملل فرشتگان پذیرش دانشجویان را آغاز کرده. امیدواریم این اقدام راهگشای قدم های بعدی برای ارتقای زبان اشاره ایرانی باشد.»